



آینده‌نگاری

ابزاری برای آفرینش فرهنگ امید

بیشتری اقدام کرد و زمان را از دست نداد. فردا، هفته بعد و ماه آینده دیر شده است، همین حالا باید آغاز کرد. فردای محیط زیست، کیفیت هوا، آب، ذخایر غذایی و روابط بشری را نمی‌توان در آینده شکل داد، زمان انجام این کار همین حالا است.

۲- آینده‌پژوهی متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشریت از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن انسان‌ها به خوبی تغذیه می‌شوند، لباس‌های مناسب می‌پوشند، از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی آنها سرشار از امنیت و رفاه اجتماعی بوده، نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است. آینده‌پژوهان بر پایه همین سه اصل تلاش می‌کنند تا پیش‌بینی کنند چه رویدادهایی پیش خواهد آمد.

مفاهیم سازنده آینده‌نگاری

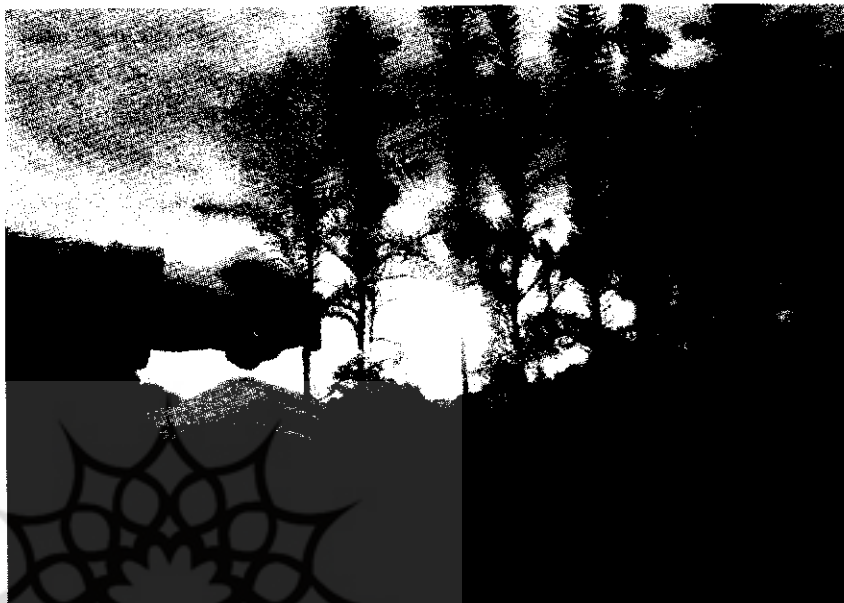
به‌طور کلی آینده‌نگاری را می‌توان حاصل تلاقی سه دسته از مفاهیم در حوزه‌های مختلف دانست که عبارت است از: تفکر راهبردی، آینده‌اندیشی و شبکه‌سازی یا توسعه سیاست.

الف) تفکر راهبردی

در گذشته اصلی‌ترین راه پرداختن به مباحث آینده برای دولت‌ها و همچنین بخش‌های خصوصی استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی بود. این برنامه‌ریزی افق زمانی کوتاه‌مدتی را پوشش می‌داد و به‌طور معمول ۳ تا ۵ ساله در نظر گرفته می‌شد. از این رو، بود که برنامه‌های توسعه ملی به‌طور معمول در چنین افق زمانی نگاشته می‌شدند. برنامه‌ریزی راهبردی نمی‌توانست تصویری بزرگ از آینده را ارائه دهد، تصویری که بتوان از آن به عنوان یک تصویر کلی یاد کرد و در همین راستا مفهوم تفکر راهبردی پدیدار شد. این مفهوم در مورد ساختن آینده است. در این مفهوم از خلاقیت و ابتکار برای چارچوب‌بندی و تدوین یک منظر یکپارچه یا چشم‌انداز یکپارچه استفاده می‌شود. تفکر راهبردی به‌طور معمول مبتکرانه، تجربی و ساختارشکن است و سعی دارد تا از آنچه تفکر منطقی و عقلایی به ما اطلاعات می‌دهد، فراتر رود. آینده‌نگاری جنبه‌ای از تفکر راهبردی است و می‌تواند گستره‌ای از گزینه‌های پیش‌رو در مورد آینده را به روی ما بگشاید. آینده‌نگاری به عنوان جنبه‌ای از تفکر راهبردی متمرکز بر شناسایی آینده براساس اطلاعات محدود امروزی است و سعی بر کشف گزینه‌ها دارد و به مراحل و گام‌های مورد نیاز برای پیاده‌سازی و دستیابی به آن گزینه‌ها نمی‌پردازد. به عبارت دیگر، به برنامه‌ریزی راهبردی نمی‌پردازد. از این منظر، به آینده‌نگاری و نتایج آن به عنوان عناصر ورودی برای تدوین راهبرد و سیاستگذاری نگریسته می‌شود که سعی دارد برنامه‌ریزی راهبرد و برنامه‌های اجرایی را جهت‌دهی کند.

ب) آینده‌اندیشی

بسیاری از آینده‌شناسان آینده‌نگاری را بخشی از



حسین دهستانی اسفندآبادی

اشاره: آینده‌نگاری^۱ یک ظرفیت عام بشری است که فرد را قادر می‌سازد تا در باب آینده بیندیشد، آینده را بررسی، مدل‌سازی و خلق کند و در مقابل آن واکنش نشان دهد. براساس این، آینده‌نگاری ضرورتی ساختاری به‌شمار می‌رود. این دیدگاه در خلال قرن بیستم به وجود آمد و براساس آن هرگونه پیشرفت اجتماعی آتی باید از آینده‌نگاری - در قیاس با گذشته - به شکل نظام‌مندی بهره‌جوید. به بیان ساده‌تر، شرایط فعلی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ابعاد و کاربردهای آتی آن به درستی درک کرد؛ امری که فقط از طریق آینده‌نگاری محقق می‌شود. در این دیدگاه، آینده بُعدی از هستی بشر است که در فراسوی لحظه «حال» او گسترش می‌یابد و همچون اصلی در انجام اقدام‌ها، در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم برخورداری از طرح، اهداف، نیت‌ها، غایت‌ها و مفاهیم را برای آدمی به همراه می‌آورد. می‌توان چنین پنداشت که بدون بعد آینده، ظرفیت‌های فعال «اکنون» از توان تهنی می‌شود و از توانایی حمایت و تقویت هرگونه کنش انسانی عاری می‌ماند. بنابراین آینده فضایی خالی یا قلمرویی ناشناخته - که نزد عموم چنین پنداشته می‌شود - نیست، آینده محتوایی ملموس دارد که می‌توان آن را کاوید، به تصرف در آورد، تصویر، ترسیم و حتی خلق کرد. برای دستیابی به این آینده، حوزه پژوهشی پیچیده،

در علم آینده‌پژوهی،

زمان، نیرویی مهم به

حساب می‌آید و باید برای

ایجاد هر تحولی در عرصه

حیات، با شتاب بیشتری

اقدام کرد و زمان را از

دست نداد

پردامنه و جهان‌گستری که مسایل و مباحث پیش‌رو در آینده را کانون توجه و تمرکز اصلی خود قرار می‌دهد، با عنوان آینده‌اندیشی^۲ یا آینده‌پژوهی^۳ رواج پیدا کرده است. به‌رغم اینکه آینده‌پژوهان برای پیشگویی آینده تلاش نمی‌کنند اما می‌توانند با استفاده از کارراه‌های^۴ معینی، آینده‌های مرجح یا محتمل را طراحی کنند.

«ادوارد کورنیش»^۵ معتقد است که آینده‌پژوهان توجه خود را روی سه مطلب متمرکز کرده‌اند:

- ۱- بین سه مؤلفه جهان، نظام‌ها و ساکنان آن، ارتباطی درونی وجود دارد که موجب می‌شود ادامه حیات و ماندگاری برای هر کدام، بدون انکاب به دو مؤلفه دیگر، غیرممکن باشد.
- ۲- در علم آینده‌پژوهی، زمان، نیرویی مهم به حساب می‌آید و باید برای ایجاد هر تحولی در عرصه حیات، با شتاب

آینده‌اندیشی یا آینده‌پژوهی می‌دانند. نزدیکی و شباهت میان روش‌های مورد استفاده در آینده‌نگاری و آینده‌اندیشی موجب می‌شود تا این دو، دارای ریشه‌های یکسان باشند و در یک حوزه دیده شوند. ضمن اینکه تفاوت‌های زیادی بین این دو وجود دارد که عبارت‌اند از:

- شناخت در مورد آینده مبتنی بر روش‌شناسی علمی است.
- در آینده‌نگاری شناخت آینده به صورت ساختارمند و سازماندهی شده، انجام می‌گیرد.
- آینده‌نگاری امری کلان است و نوعی از آینده‌نگاری در سطح گسترده و کلان را نشان می‌دهد.
- در آینده‌نگاری بر خلاف پیش‌بینی، وقوع آینده بر اساس فرمول و چارچوبی علی و معلولی حادث نمی‌شود.
- آینده‌نگاری فعالیتی مستمر است که به صورت دوره‌ای تکرار می‌شود.
- در آینده‌نگاری وجوه اقتصادی و اجتماعی نیز برآورد می‌شود.

- در فرآیند آینده‌نگاری ممکن است توجه اصلی بر خروجی‌های فرآیندی، همچون یک چشم‌انداز راهبردی باشد.

- در آینده‌نگاری به دانش ضمنی^۴ توجه ویژه‌ای می‌شود. به عبارت دیگر، همان‌انباره که تولید دانش و شناخت در مورد آینده اهمیت دارد، انتقال آن و درک دیدگاه‌های تولید شده و استفاده از آنها در تصمیم‌گیری‌ها نیز از اهمیت برخوردار است.

بنابراین در این رویکرد، آینده‌نگاری زیرمجموعه‌ای از آینده‌اندیشی نیست و به عنوان ابزاری برای شناسایی و اکتشاف آینده درازمدت دانسته می‌شود.

ج) شبکه‌سازی

سومین دسته از مفاهیم سازنده آینده‌نگاری مفاهیم برآمده از حوزه سیاستگذاری است. از منظر حوزه سیاست‌پژوهی، آینده‌نگاری ابزاری برای سیاستگذاری است که می‌تواند به توسعه سیاست در فرآیند سیاست‌کمک کند. آینده‌نگاری با درگیر کردن حوزه‌های علاقه‌مند در فرآیند سیاستگذاری و درگیر کردن تعداد زیادی از بازیگران، به شبکه‌سازی می‌پردازد. تقویت شبکه‌های موجود و ایجاد و نهادینه کردن شبکه‌های جدیدی از هویت‌های علاقه‌مند به حضور در فرآیند سیاست از جمله ویژگی‌های آینده‌نگاری است. از این منظر، این پیش‌فرض اساسی وجود دارد که دانش مورد نیاز برای سیاستگذاری در سطح وسیعی از

بازیگران، گسترده شده است. بنابراین آینده‌نگاری پیش از هر چیز فرآیندی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، مشروعیت تصمیم‌ها و سیاست‌ها، دانش‌های مورد نیاز برای تدوین سیاست‌ها و ساختارمندی و نظم در فرآیند سیاست را حفظ و از آینده‌نگاری به عنوان ابزاری برای سیاستگذاری و ساخت چشم‌انداز استفاده کند.

به این ترتیب هر سه دانش ذکرشده دانش سازنده آینده‌نگاری محسوب می‌شود. این موضوع در نوع انتخاب اهداف، نوع استفاده از آینده‌نگاری و نوع توجه‌ها و تمرکزهای این فعالیت‌ها، به وضوح قابل مشاهده است.

شناخت روندها و کلان روندها

ادوارد کورنیش مهم‌ترین هدف از آینده‌نگاری را بدین صورت بیان می‌کند: درک کنیم که با تداوم روندهای امروز، در آینده چه روی خواهد داد و تصمیم بگیریم که آیا چنین

آینده‌نگاری به عنوان جنبه‌ای از تفکر

راهبردی متمرکز بر شناسایی آینده بر اساس اطلاعات محدود امروزی است و سعی بر کشف گزینه‌ها دارد و به مراحل و گام‌های مورد نیاز برای پیاده‌سازی و دستیابی به آن‌ها می‌پردازد.



آینده‌ای برای ما مطلوب است یا نه؟ و اگر نیست بکوشیم تا آن را تغییر دهیم. در واقع شناخت روندها و کلان روندهای آینده به ما کمک می‌کند تا فرصت‌های پیش‌روی خود و جامعه را بشناسیم و برای بهره‌برداری از آنها تصمیم‌های سازنده‌ای بگیریم. روندها همان نیروهایی هستند که در برهه‌های از زمان ما جهان پیرامون ما را تغییر می‌دهند. در این قیاس کلان روندها را باید ابزنروهایی دانست که در یکی از حوزه‌های بزرگ و مهم زندگی بشر تغییرهای بنیادین ایجاد می‌کنند. هر کلان روند را می‌توان به یک مجموعه از روندهای کوچک‌تر تجزیه کرد. آینده‌ای که پیش‌روی ماست، بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ بشریت سرشار از فرصت‌های جذاب و پاورنکردنی است اما برای کشف این فرصت‌ها و یافتن جسارت لازم برای نزدیک شدن به آنها نیازمند یک دید گسترده و همه‌جانبه‌نگر هستیم.

هر جا آینده‌نگاری وارد می‌شود رویکرد «مشکل محوری» را عقب می‌راند و فضا را برای ایجاد و بارور شدن رویکرد «فرصت‌محوری» مهیا می‌سازد. آینده‌نگاری ابزاری برای آفرینش یک فرهنگ شکوفای اجتماعی یا سازمانی است که از آن به «فرهنگ امید» تعبیر می‌شود. یادآور می‌شود، هر آینده‌پژوهی در فرآیند آینده‌نگاری به ناگزیر از پشت عینک پارادایم‌های خود می‌بیند و براساس ارزش‌های خود به جهان کنونی و آینده می‌نگرد. به عبارت دیگر، هر تصویری که از آینده خلق می‌شود خواه ناخواه با نگرش‌ها و ارزش‌های آینده‌پژوهان عجین شده است و آینده‌نگار بی‌طرفی وجود ندارد.

به‌طور کلی هشت کلان روند را می‌توان به عنوان ابزارهایی برای درک دگرگونی‌های بزرگ در آینده در نظر گرفت:

کلان روند یکم: پیشرفت فناوری

پیشرفت فناوری همه حوزه‌ها مانند رایانه، پزشکی، حمل و نقل و سایر فناوری‌ها و نیز دانشی که انسان را در دستیابی اثربخش‌تر به اهدافش یاری می‌رساند، شامل می‌شود. پیشرفت فناوری را می‌توان توانایی روبه‌افزایش انسان برای دستیابی به خواسته‌هایش قلمداد کرد. این کلان‌روند به روندهای جزیی‌تری تجزیه می‌شود که عبارت‌اند از:

- غلبه روزافزون فناوری بر اقتصاد جامعه.
- نقش فزاینده تحقیق و توسعه در اداره امور جامعه.
- افزایش سرعت سفرهای زمینی، هوایی و دریایی.
- افزایش آهنگ دگرگونی‌های فناوری با

ظهور نسل جدید اکتشاف‌ها و کاربردها.

- ظهور پیشرفت‌های سریع در عرصه پزشکی (دو برابر شدن دانش پزشکی هر ۸ سال یک بار).

کلان روند دوم: نیروی کار و اشتغال

دگرگونی‌های سریع در بازار کار و فناوری‌های مربوط به آن، تحول‌های عظیمی را موجب خواهد شد. مهم‌ترین روندهای این حوزه را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- گسترش آموزش و پرورش در سطح جامعه و سریع شدن تاریخ انقضای آموزش‌های رسمی.
- تخصصی شدن روزافزون فعالیت‌های صنعتی و سایر مشاغل و ایجاد بازارهای جدید و اختصاصی.
- افزایش درصد اشتغال در بخش خدمات.
- افزایش سن بازنشستگی به علت ازدیاد متوسط عمر.
- از میان رفتن قدرت اتحادیه‌ها و منسوخ شدن پارادایم سنتی «اتحادیه در برابر شرکت‌ها»

- رواج شغل‌های دوم و سوم.

- زوج‌های نان‌آور در حال تبدیل شدن به هنجار.

- تبدیل زمان به ارزشمندترین کالا در سراسر دنیا.

کلان روند سوم: مدیریت

شیوه مدیریت و اداره شرکت‌ها و سازمان‌ها، دگرگونی‌های زیادی را در پی خواهد داشت و راهکارهای جدیدی را طلب می‌کند. مهم‌ترین روندهای این حوزه را می‌توان در موارد زیر دانست:

- گسترش روزافزون شرکت‌های کوچک کارآفرین.
- جایگزین شدن الگوهای سنتی کنترل و مدیریت با سازمان‌های «اطلاعات بنیان».

- کاهش سطوح مدیریت در سازمان‌های بزرگ.

- جلوگیری از هدررفت بخش عظیمی از وقت و انرژی مدیران برای عمل به مقررات دولتی از طریق مقررات‌زدایی.

کلان روند چهارم: امور بنگاه‌ها و شرکت‌ها

این کلان روند دارای روندهایی به شرح زیر است:

- اشتیاق شرکت‌های فراملیتی به تأمین قطعه‌ها و محصول‌ها از بیرون و خلع سلاح این شرکت‌ها در برابر ریسک‌های ناشی از آن.

- ذی‌نفعان به گونه‌ای فزاینده از شرکت‌ها می‌خواهند که پاسخگو باشند.

- شفافیت روزافزون در فعالیت مؤسسه‌ها و پاسخگویی بیشتر در مقابل خطاها.

- توزیع دو وجهی در سازمان‌ها؛ بزرگ‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، کوچک‌ها کوچک‌تر می‌مانند و آنهایی که در میانه قرار دارند، در یکدیگر اقدام می‌شوند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ شرکت‌های بزرگ خودروسازی در سراسر دنیا کل بازار جهانی را در اختیار گیرند و تنها ۵ شرکت بزرگ

خودروسازی می‌مانند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند. همچنین تا سال ۲۰۱۰ تنها سه شرکت مطرح در صنعت ساخت‌افزار وجود خواهند داشت. به طور کلی ادغام و تملک شرکت‌های صنعتی تا جایی که قوانین ملی اجازه دهند گسترش خواهد یافت. از طرفی شرکت‌های تجاری بسیار تخصصی و کوچک خواهند شد و این نوع شرکت‌ها گسترش می‌یابند. این در حالی است که شرکت‌های متوسط و غیرتخصصی از صحنه رقابت کنار می‌روند.

کلان روند پنجم: رشد اقتصادی و اجتماعی

پیشرفت فناوری، رشد اقتصادی و اجتماعی را تقویت می‌کند. همچنین رشد اقتصادی یک فرآیند خودپیش‌رونده است. بدین معنا که خود موجب رشد خود می‌شود. انباشت کالاها و سرمایه‌ای (کارخانه‌ها، بزرگراه‌ها، راه‌آهن و...) و نیز کالاها و مصرفی و سرمایه اجتماعی (نهادهای دانش و

آینده‌نگاری پیش از هر چیز فرآیندی است که

می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، مشروعیت تصمیم‌ها و سیاست‌ها، دانش‌های مورد نیاز برای تدوین سیاست‌ها و ساختارمندی و نظم‌دهی فرآیند سیاست را حفظ و از آینده‌نگاری به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری و ساخت چشم‌انداز استفاده کند

مانند آنها) نشان می‌دهد هر نسل جدید با ثروت و کالاها و سرمایه‌ای بیشتری نسبت به نسل قبل یا به عرصه وجود می‌نهد و این امر سبب تسهیل افزایش نرخ تولید می‌شود.

روندهای مزبور به این کلان روند عبارت است از:

- ادامه رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته.
- دو برابر شدن جمعیت جهان در چهل سال آینده.
- افزایش طول عمر انسان.
- افزایش جمعیت سالخوردگان در سراسر جهان.
- شکل‌گیری جامعه جهانی دانش بنیان بر اثر رشد روزافزون فناوری اطلاعات.

- آمیزش روزافزون فرهنگ‌های مختلف و ایجاد یک جامعه جهانی یکپارچه. در نیم قرن آینده افزایش تبادلات فرهنگی به کاهش کشمکش‌های شایع در قرن بیستم خواهد انجامید و فناوری اطلاعات، امکان ارتباط از راه دور را فراهم می‌آورد و مردم با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای به ویژه اینترنت در سراسر جهان، با یکدیگر ارتباط برقرار خواهند کرد. این مسأله منجر به آمیزش فرهنگ‌های مختلف می‌شود و مقدمات ایجاد جامعه جهانی یکپارچه برپا خواهد شد.

- حرکت اقتصاد جهان به سوی یکپارچگی.

کلان روند ششم: تغییر ارزش‌ها، دغدغه‌ها و اسلوب‌های زندگی ارزش‌ها زمانی کم‌رنگ می‌شوند که مردم به خاطر تغییر شرایط، فرهنگ ملی خود را از یاد ببرند یا نتوانند آن را در زندگی روزمره خود متجلی سازند. به علت تغییرات سریع، پدیده‌ها و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، استحاله فرهنگی را می‌توان به عنوان یک کلان روند برای کشورهایی که نتوانند از فرهنگ خود صیانت کنند، در نظر گرفت که شامل روندهای زیر است:

- تحول سریع و تغییر در ارزش‌های اجتماعی.

- توجه روزافزون جوانان بر پیشرفت‌های مادی و دور شدن از مؤلفه‌های معنوی.

- رشد روزافزون گردشگری و مسافرت در دهه آینده.

- رشد سریع مصرف‌گرایی.

- متنوع تر شدن ساختار خانواده.

کلان روند هفتم: انرژی

انرژی فسیلی که منبع تجدیدنپذیر انرژی به شمار می‌رود، به سرعت رو به پایان است. بحث‌های زیادی در مورد اینکه منابع نفت و سایر انرژی‌های تجدیدنپذیر چقدر دوام خواهند داشت، مطرح است اما مشکل اصلی زمانی بروز خواهد کرد که منابع به واقع رو به کاهش بگذارد. این کلان روند را می‌توان به روندهای زیر تجزیه کرد:

- افزایش سریع مصرف سوخت فسیلی به رغم فراخوان گسترده به استفاده از سایر منابع انرژی.

- کاهش قیمت واقعی نفت بر اثر گسترش سایر منابع انرژی.

کلان روند هشتم: محیط زیست

رشد فزاینده جمعیت و نیز توسعه صنعت به ویژه صنایع آلاینده تهدید جدی برای محیط زیست در سراسر کره زمین است.

اگرچه برخی کشورها تلاش چشمگیری را برای کاهش آلودگی و سایر عوامل مخرب زیست‌محیطی به عمل آورده‌اند اما مقابله با این پدیده نیازمند عزم جدی جهانی است. از میان روندهایی که این کلان‌روند را به وجود آورده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمبود آب، مشکلی عمومی در سراسر جهان.

- ادامه انباشتگی زباله‌ها در محل‌های دفن زباله.

- تأکید بیشتر بر توسعه صنعتی و توجه کمتر به مسایل زیست‌محیطی.

- کاهش سطح زمین‌های قابل کشت در سراسر جهان و نابودی جنگل‌ها.

- انقراض گونه‌های متعددی از گیاهان و جانوران.

- گرم شدن زمین و بالا آمدن آب اقیانوس‌ها.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به روندهای یادشده به عنوان ابزارهایی برای درک دگرگونی‌های آینده و مفاهیم مستقر در آینده‌نگاری یعنی تفکر

راهبردی، آینده‌اندیشی و توسعه سیاست‌ ضرورت استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی بیش از پیش احساس می‌شود. این در حالی است که کلان‌روندها و روندهای پیش‌گفته نتایج و پیامدهایی خواهد داشت که می‌توان مهم‌ترین آنها را به شرح زیر برشمرد:

استفاده مؤثرتر از فناوری‌های نوین نیازمند سطح عالی‌تری از تحصیلات و دانش خواهد شد.

فناوری‌های جدید به خلق هزاران فرصت شغلی «دانش‌بنیان» منجر می‌شوند. گرایش فزاینده به اتوماسیون ضمن کاهش هزینه‌های بسیاری از خدمات و محصولات، منافع و درآمدهای حاصل را کم‌اکن افزایش خواهد داد.

از طرفی توسعه تجارت از طریق اینترنت امکان خرید مواد خام و کالاها را در سراسر جهان فراهم می‌کند و هزینه فعالیت‌های تجاری را کاهش خواهد داد. تقاضا برای کلرکنان دانشور، مهندسان و تکنیسین‌ها پیوسته افزایش می‌یابد به‌ویژه در حوزه‌هایی که تحقیقات نویدبخش دست‌آوردهای تجاری مطلوبی در کوتاه‌مدت باشد. پیشرفت در حوزه‌های نوینی همچون مهندسی ژنتیک و نانو فناوری شگفت‌انگیز خواهد شد و مهندسی ژنتیک کلرآمدی خود را بر همگان ثابت خواهد کرد.

در آینده‌ای نه چندان دور نسبت جمعیت شاغل به بازنشستگانی که نیاز به حمایت دارند به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت. این مسأله اقتصاد داخلی کشورها را با مشکلات عمده‌ای مواجه خواهد ساخت و ادامه این وضعیت با توجه به بیمه‌های خدمات درمانی و اجتماعی کنونی دشوار خواهد بود.

در آینده کارگران و کارمندان به علت تغییرات سریع فناوری، جهانی شدن و عواملی مانند آنها باید سریع‌تر از گذشته مهارت‌های خود را به روز کنند تا بتوانند همواره در استخدام شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادها باقی بمانند. برای آنکه آنها

بتوانند از پس خواسته‌های متغیر بازار کلر برآیند باید همواره بر مهارت‌ها و دانش خود بیافزایند. به‌زودی دورانی که تحصیل، تنها وظیفه جوان‌ترها بود به‌سر خواهد آمد و به یک ضرورت مادام‌العمر بدل خواهد شد.

در آینده سهم بیشتری از نیروی کلر را زنان تشکیل می‌دهند، در نتیجه رقابت برای احراز پست‌های اجرایی بالاتر که پیش از این بیشتر در اختیار مردان بود، شدت خواهد یافت.

در بسیاری از خانواده‌ها زن و مرد خوشادوش هم کار می‌کنند و خوداشتغالی می‌رود تا به یک گزینه جذاب و جالب توجه تبدیل شود. مدیران ارشد برای حفظ جایگاه شغلی خود باید دانش خود را در زمینه کلر با رایانه به عالی‌ترین حد ممکن برسانند و اطمینان حاصل کنند که با استفاده از امکاناتی که رایانه‌ها در اختیارشان می‌گذارند به خوبی می‌توانند از عهده وظایف کنترلی خود برآیند.

نسل جدید کلرکنان رانمی‌توان به صورت ایزاری به‌کار گرفت و کرامت انسانی آنها را نادیده انگاشت. آنها باید حمایت شوند، حقوق و مزایای خوب بگیرند و احساس کنند که به چشم می‌آیند و تلاش‌هایشان مورد قدردانی قرار می‌گیرد. کلر فرمایان ناچارند سیاست‌ها و اقدام‌های خود را با ارزش‌های نسل جدید و متفاوت سازگار کنند. یافتن شیوه‌هایی جدید برای ایجاد انگیزه و تشویق جوانان بخشی از این سازگاری است.

در آینده نیازهای فراوان جمعیت زمین و نیز توسعه صنعتی که در کمین منابع طبیعی نشسته است، محیط زیست را در شرایط نامطلوبی قرار خواهد داد. تلاش‌های فزاینده هواداران محیط زیست برای حفاظت از جنگل‌ها و حیات وحش و پاکیزه نگاه‌داشتن دریاها تا حدودی این روند را کند خواهد کرد. منابع آب شیرین در اغلب مناطق دنیا کاهش خواهد یافت و در بسیاری از مناطق با پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی، چاه‌ها نیز خواهد خشکید و آب در سراسر دنیا به کالایی گرانبها بدل

خواهد شد.

در آینده بشر مرز زیستگاهی خود را در تمام جهت‌ها به جلو خواهد راند. شاید کره ماه شاهد نخستین مهمانانی باشد که برای همیشه به آنجا هجرت خواهند کرد.

روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام و ملت‌ها بسیار مستحکم‌تر از ادوار دیگر تاریخ خواهد شد. توسعه سامانه‌های حمل و نقل و ارتباط راه دور جهانی‌سازی را دو چندان خواهد کرد. با افزایش ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، شاهد ظهور یک فرهنگ جهانی بین‌المللی خواهیم بود.

در آینده کشورهایایی که شفافیت بیشتری در سیاست‌ها و عملکردهای خود دارند نسبت به کشورهایایی با عملکردهای پیچیده و مبهم از ثبات بیشتری برخوردار خواهند بود. این کشورها به خاطر شفافیت در عملکردهایشان سرمایه‌های خارجی بیشتری را به سوی خود جلب می‌کنند و در نتیجه راه پیشرفت خود را هموارتر می‌سازند.

حال با توجه به کلان‌روندها و روندهای حاکم بر جهان و شناخت نتایج و پیامدهای آن‌ها راه‌کلر علمی، شکل بخشیدن به آینده است. بشر می‌تواند آینده متفاوت را برای خود رقم بزند، از بروز برخی فجایع پیشگیری کند و آینده‌ای متفاوت را بیافریند. روندها در واکنش به اقدام‌های حساب‌شده بشری که با آنها به‌یک‌دیگر برخاسته، تغییر می‌کند و به سمت اهدافی که وی تعیین می‌سازد، تغییر مسیر می‌دهد. لازمه شکل بخشیدن به آینده صورت‌بندی مسایل، بررسی و پویش، پیش‌بینی، چشم‌اندازسازی، برنامه‌ریزی و اقدام است.

پی نوشت‌ها:

- 1- Foresight
- 2- Futures field
- 3- Futures studies
- 4- Guideline
- 5- Edward Cornish
- 6- Tacit knowledge

منابع:

- ۱- کورنیش، ادوارد. شش کلان‌روند که آینده را شکل می‌دهند، ترجمه سیاوش ملکی فر، باشگاه آینده پژوهان جوان.
- ۲- سترون، ماروین جی و دیویس لون، پنجاه روند که آینده را شکل می‌دهند، ترجمه مرجان توکلی و سیمین موحد، مؤسسه مطالعات راهبردی آینده.
- ۳- شمعی، علی و همکاران (۱۳۸۵) آینده‌نگاری هم‌گرایی برنامه‌ریزی استراتژیک، آینده‌اندیشی و سیاستگذاری، گروه آینده‌نگاری مرکز صنایع نوین.
- ۴- اسلاتر، ریچارد ای (۱۳۸۶) دانش واژه آینده‌پژوهی، ترجمه عبدالمجید کرامت‌زاده و همکاران، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

• کارشناس دفتر امور رفاه اجتماعی

